



اسرار غیبت

امام زمان (علیه السلام)

حسین الہی نژاد

صادق علیہ السلام فرمود: حضرت صاحب الامر ناچار غیبتی خواهد داشت، به طوری که گمراہان در شک واقع می شوند. سؤال کردم: چرا؟ فرمود: مأذون نیستیم علتش را بیان کنیم. گفتم: حکمتش چیست؟ فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجت های گذشته وجود داشت، در غیبت آن جناب وجود دارد. اما حکمتش جز بعد از ظهور او ظاهر نمی شود، چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن جوان و اصلاح دیوار به دست حضرت خضر علیہ السلام برای حضرت موسی علیہ السلام آشکار نشد جز هنگامی که می خواستند از هم جدا شوند. ای پسر

پیشینه چرایی غیبت به قبل از تولد حضرت حجت باز می گردد؛ زمانی که فلسفه غیبت در میان مردم مطرح و پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آئمه معصومین علیہم السلام در مقام پاسخگویی به آن برآمده اند.

ہزاران سر نہان در نظام دین و برنامه های مترقی آن وجود دارد کہ درک ہر یک، دلی دریا و چشمی بینا می خواهد تا آنجا کہ ہمہ پیامبران ہم نمی توانند بہ تمام اسرار آگاہ باشند.

غیبت ولی عصر علیہ السلام از رازہای بسیار پیچیدہ ای است کہ با ظہور او ہمہ حقیقت روشن می گردد. عبد اللہ بن فضل ہاشمی می گوید: امام

بودند، آزمایش کردیم تا خداوند راستگویان و دروغ‌گویان را مشخص کند.»

با توجه به آیه فوق، خداوند متعال در هر زمان و دوره‌ای، مردم آن دوره را مورد امتحان قرار می‌دهد تا مؤمنین واقعی از متظاهرين به دین و ایمان مشخص شوند. امتحان الهی در هر زمان، متفاوت و متناسب با رشد و کمال عقلی مردم آن زمان است. در دوران غیبت کبری، با غایب شدن حجت خدا، مردم به استقامت و پایداری نسبت به دین امتحان می‌شوند تا منتظرین واقعی از غیر واقعی تمیز داده شده و هر کدام پاداشی در خور موفقیت در این امتحان به دست آورند.

سیدیر می‌گوید: در خدمت مولایمان امام صادق علیه السلام بودیم؛ امام علیه السلام روی زمین نشسته و عبائی بی‌یقه و با آستین کوتاه پوشیده بود، در آن حال مانند پدر فرزند مرده گریه می‌کرد، آثار حزن از رخسار مبارکش نمایان بود و می‌فرمود: آقای من! غیبت

فضل! موضوع غیبت، سرّی از اسرار خدا و غیبی از غیوب الهی است، چون خدا را حکیم می‌دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی حکمت صادر می‌شود، گرچه تفصیلش برای ما مجهول باشد.^۱

از این حدیث استفاده می‌شود که علت اصلی و اساسی غیبت به دلیل اینکه اطلاع بر آن به صلاح مردم نبوده، یا استعداد فهمش را نداشته‌اند، بیان نشده است.

در عین حال به مواردی از فلسفه غیبت در بعضی از روایات اشاره شده است که به صورت اختصار بیان می‌کنیم:

۱- آزمایش مردم

یکی از سنت‌های الهی آزمایش مردم است. این سنت در تمام امت‌های گذشته نیز اجرا شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَمُرُّوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾^۲ «آیا مردم خیال می‌کنند که همین که گفتند ایمان آوردیم رها شده و دیگر امتحان نمی‌شوند. کسانی را که قبل از آن‌ها

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

۲- عنکبوت / ۲.

**هزاران سر نهان در نظام
دین و برنامه‌های مترقی آن**

وجود دارد

که درک هر یک، دلی دریا

و چشمی بینا می‌خواهد

تا آنجا که همه پیامبران هم

نمی‌توانند به تمام اسرار

آگاه باشند

حضرت همواره در معرض کشته شدن بوده و هست؛ زیرا حکام ستمگری که در طول دوران اسلامی حکم رانده‌اند (عباسیان، عثمانیان و غیر آنان از کسانی که به ویژه در خاورمیانه حکومت نموده‌اند) بیشترین تلاش و کوشش خود را صرف پایان بخشیدن به زندگانی حضرت مهدی علیه السلام می‌نمودند؛ خصوصاً پس از آن که می‌دانستند که

تو خواب را از من ربوده و لباس صبر را بر بدنم تنگ و آرامش را از من سلب کرده است.

آقای من! غیبت تو برای همیشه مرا اندوهگین کرده مثل کسی که تمام بستگانش را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد و تنها می‌ماند.

سدیر می‌گوید: از ناله‌های جانگداز حضرت، پریشان شده و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! خداوند دیدگان شما را گریان نکند، برای چه این قدر ناراحت و محزون هستی؟

امام صادق علیه السلام آه سوزناکی کشید و [بدین مضمون] فرمود: «قائم ما غیبت طولانی کرده و عمرش طولانی می‌شود. در آن زمان اهل ایمان امتحان می‌شوند و به واسطه طول غیبتش شک و تردید در دل آن‌ها پدید می‌آید و بیشتر، از دین خود برمی‌گردند.»

۲- بیم از کشته شدن

زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «برای حضرت قائم قبل از ظهورش غیبتی است.» پرسیدم: چرا؟ فرمود: «يَخَافُ عَلَيَّ نَفْسِهِ الدَّبْحَةَ؛ بر جاننش از کشته شدن می‌ترسد.»^۱

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و اتمام النعمه، ج ۲، باب ۴۴، ج ۱۱، ص ۴۸۲.

حاکمیت ظلم و ستم را از بین برده و حاکمیت عدل و داد را در سراسر جهان بگستراند، دست روی دست نگذاشته و سکوت نمی‌کردند و همواره مترصد کشتن چنین انسانی بودند.

۳- آمادگی و استعداد مردم

قانون عرضه و تقاضا در جوامع بشری همواره و در همه جا جاری است و عرضه مطابق تقاضا می‌باشد. در غیر این صورت نظام زندگی به هم خورده و تعادل خود را از دست می‌دهد. این قانون تنها جنبه اقتصادی ندارد بلکه در مسائل اجتماعی نیز جاری است.

بدون تقاضا، عرضه بی‌فایده است. نیاز به رهبر و پیشوا برای جامعه نیز از این قاعده و قانون مستثنی نبوده و در قالب استعداد و آمادگی مردم تحقق پیدا می‌کند.

در دوران غیبت، مردم جهان به تدریج برای ظهور آن مصلح حقیقی و سامان‌دهنده وضع بشر، آمادگی علمی،

حضرت مهدی علیه السلام همان کسی است که تخت‌های حکمرانان ظلم و جور را متزلزل نموده، در هم خواهد شکست و همان کسی است که هستی ظالمان را نابود و از استیلاء آنان بر بندگان خدا و کشورها جلوگیری خواهد کرد.

هیچ یک از امامان معصوم به مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، بلکه طاغوت‌های این امت آنان را شهید کردند، با این که می‌دانستند بشارت‌ها و اخباری که راجع به حضرت مهدی علیه السلام وارد شده، دربارهٔ آنان (یازده امام علیهم السلام) وارد نشده است. مثلاً دربارهٔ هیچ یک از ائمه علیهم السلام حتی یک حدیث

به این مضمون وارد نشده که دنیا را از عدل و داد پر خواهد ساخت و بر تمام جهان حکم خواهد راند، و تمام وسایل پیروزی و ظفر برای وی فراهم خواهد آمد، جز دربارهٔ وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام. با چنین خبرهایی، حکومت‌های جور و ستم در قبال شخصیتی بزرگ که می‌خواهد

آقای من! غیبت تو خواب را از من ربوده و لباس صبر را بر بدنم تنگ و آرامش را از من سلب کرده است

اقتصادی مختلف دردی را درمان نمی‌کنند، اجتماعات و کنفرانس‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و طرح‌ها و کوشش‌های آن‌ها به عنوان حفظ حقوق بشر نمی‌توانند نقشی را ایفاء کنند و از تمام این طرح‌ها که امروز و فردا مطرح می‌شود مأیوس شود.

وقتی اوضاع و احوال این‌گونه شد و مردم از تمدن منهای دین، معنویت و انسانیت، کنونی به ستوه آمدند و تاریکی و ظلمت جهان را فرا گرفت، ظهور یک مرد الهی در پرتو عنایت حق، مورد استقبال مردم جهان قرار می‌گیرد. در این شرایط پذیرش جامعه از ندای روحانی یک منادی آسمانی بی‌نظیر خواهد بود، زیرا در شدت ظلمت و تاریکی، درخشندگی نور نمایان‌تر می‌گردد.

۴- خالی نماندن زمین از حجت

حضرت علی علیه السلام فرمود: «**لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ**؛ هیچگاه زمین از کسی که قائم به امر الهی باشد خالی

عملی و اخلاقی پیدا می‌کنند. روش آن حضرت مانند روش انبیاء و اولیاء در گذشته نیست تا مبتنی بر اسباب و علل عادی و ظاهری باشد، بلکه روش او در رهبری بر جهان بر مبنای حقایق و حکم به واقعیات، و ترک تقیه و ... است، که انجام این امور نیاز به تکامل علوم و معارف و ترقی و رشد فکری و اخلاقی بشر دارد، به طوریکه قابلیت برای حکومت واحد جهانی در راستای تحقق احکام الهی فراهم باشد و جامعه بشری به این مطلب برسد که هیئت‌های حاکمه با روش‌های گوناگون نمی‌توانند از عهده اداره امور برآیند، و مکتب‌های سیاسی و

نخواهد ماند.»

از سنت‌های دائمی الهی این است که از آغاز آفرینش، بشر را تحت سرپرستی یک راهنما و رهبر قرار داده است و برای هر قوم و ملتی رسولی فرستاده تا آن رسول، مردم را از عذاب الهی بترساند و وصی و خلیفه و جانشین و امام پس از او نیز همان سیره و روش پیامبر را عمل کرده و مردم را به اهداف الهی نزدیک کرده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر در دنیا دو نفر وجود داشته باشند، یکی از آن‌ها امام و حجت خدا است.»^۱

باز می‌فرماید: «آخرین کسی که از این دنیا خواهد رفت امام است و او حجت خدا بر خلق است و باید او آخرین نفر باشد که از دنیا می‌رود، برای اینکه کسی بدون حجت و رهبر نماند تا با خدای احتجاج کرده، شکایت نماید که تکلیف خود را در دنیا نمی‌دانسته است.»^۲

حضرت علی علیه السلام فرمود: «بدانید زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند، ولی خداوند به خاطر ظلم و جور و

اسراف مردم بر خودشان آن‌ها را از

دیدار او کور خواهد ساخت.»^۳

با توجه به روایات فوق و بررسی دوران زندگی امامان معصوم علیهم السلام که هیچ کدام با مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، اگر آخرین حجت الهی نیز غایب نمی‌شد و در میان مردم حضور عادی می‌داشت، یقیناً به سرنوشت امامان دیگر دچار می‌شد، و مردم برای همیشه از فیض الهی محروم می‌شدند. خداوند متعال با حکمت بالغه‌اش آخرین حجت خود را به وسیله غیبت حفظ و صیانت نموده تا زمین از حجت حق خالی نماند.

۵- نداشتن یار و یاور

یکی از علت‌های غیبت امام زمان علیه السلام نبود انصار و اصحاب جهت یاری رساندن به آن حضرت است. از روایات مختلف این نکته برداشت می‌شود که نصاب یاران حضرت

۱- علامه حائری، الزام الناصب، ص ۴؛ ر. ک. زندگانی حضرت صاحب الزمان، ص ۱۶۴.

۲- همان مدرک.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴؛ ر. ک مکشال المکارم، ص ۱۶۰.

اول ذکر شده است که در مکه با حضرت پیمان می‌بندند.
امام زمان علیه السلام با این تعداد از یاران خاص و عام، قیام جهانی خود را شروع می‌کند.

۶- تعهد نداشتن نسبت به حاکمان

جور

امام صادق علیه السلام فرمود: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عَهْدِهِ عَهْدٌ وَلَا عَقْدٌ وَلَا بَيْعَةٌ»^۳
قائم ما در حالی ظهور می‌کند که در گردن او برای احدی عهد و پیمان و بیعتی نیست.»

برنامه مهدی موعود، با سایر ائمه اطهار علیهم السلام تفاوت دارد. ائمه علیهم السلام مأمور بودند که در ترویج و انذار و امر به معروف و نهی از منکر تا سر حد امکان کوشش نمایند، ولی سیره و رفتار حضرت مهدی علیه السلام متفاوت با آنان بوده و در مقابل باطل و ستم سکوت نکرده، با جنگ و جهاد، جور و ستم و بی‌دینی

مهدی علیه السلام ۳۱۳ نفر می‌باشد که با تولد و رشد آنها، یکی از موانع ظهور مرتفع می‌گردد. انصار و یاران حضرت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱- یاران خاص: که ۳۱۳ نفر می‌باشند و صفات و شاخصه‌هایی که در روایات ذکر شده، مربوط به آنها می‌باشد و در زمان ظهور و حکومت جهانی حضرت، تصدی مناسب مهم حکومتی را به عهده دارند.

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «یاران خاص قائم جوانند، بین آنان پیری نیست مگر به میزان شرمه در چشم و یا مانند نمک در غذا که کمترین ماده غذا نمک است»^۱
از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «مردانی اند که گویی قلب‌هایشان مانند پاره‌های آهن است. هیچ چیز نتواند دل‌های آنان را نسبت به ذات خدا گرفتار شک و تردید سازد. سخت‌تر از سنگ هستند و»^۲

۲- یاران عام: نصاب معینی ندارند.

در روایات تعداد آنها مختلف و در بعضی از آنها تا ۱۰ هزار نفر در مرحله

۱- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۳۳، حدیث ۴۱۰، غیبت نعمانی، باب بیستم.

۲- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۸.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

را ریشه کن می نماید.

اصلاً این گونه رفتار از علائم و خصائص مهدی موعود شمرده می شود. به بعضی از امامان که گفته می شد: چرا در مقابل ستمکاران قیام نمی کنی؟ جواب می داد: این کار به عهده مهدی ماست. به بعضی از امامان اظهار می شد: آیا تو مهدی هستی؟ جواب می داد: مهدی با شمشیر جنگ می کند و در مقابل ستم ایستادگی می نماید ولی من چنین نیستم. به بعضی عرض می شد: آیا تو قائم هستی؟ پاسخ می داد: من قائم به حق هستم، لیکن قائم معهودی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند نیستم. از اوضاع آشفته جهان و دیکتاتوری ظالمین و محرومیت مومنین شکایت می شد، می فرمودند: قیام مهدی مسلم است، در آن وقت اوضاع جهان اصلاح و از ستمکاران انتقام گرفته خواهد شد. مومنین و شیعیان هم به این نویدها دلخوش بودند و هرگونه رنج و محرومیتی را بر خود هموار می کردند. اکنون با این همه انتظاراتی که

مومنین بلکه بشریت از مهدی موعود دارند، آیا امکان داشت که آن جناب با ستمکاران عصر بیعت و پیمان ببندد که در صورت امضاء پیمان و بیعت ناچار باشد به عهد و پیمان خویش وفادار بماند و در نتیجه هیچ وقت اقدام به جنگ و جهاد نکند؛ زیرا اسلام عهد و پیمان را محترم شمرده و عمل به آن را لازم دانسته است.

از این رو در احادیث تصریح شده که یکی از اسرار غیبت و مخفی شدن ولادت حضرت صاحب الامر علیه السلام این است که ناچار نشود با ستمکاران بیعت کند تا هر وقت خواست، قیام کند و بیعت کسی در گردش نباشد.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَخْفِي وِلَادَتَهُ وَيَغْتِيبُ شَخْصَهُ لِيَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ؛ خداوند عز و جل ولادت او را مخفی می کند و شخص او را از دیده ها پنهان می سازد تا هنگامی که ظهور می کند کسی را در گردن او بیعت نباشد.»^۱

۱- کامل سلیمان، يوم الخلاص، ص ۱۰۱.